خارج فقه جلسه 51 - ادله جواز نیابت در وضو - 23/09/1401

موضوع: (شرایط وضو - ادله جواز نیابت در وضو - بذل مال در نیابت - شخص نیت کننده در وضوی نیابتی)

بسم الله الرّحمن الرّحيم

الحمد لله رب العالمين والصّلاة والسلام على محمّد وآله الطاهرين والّلعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين

وجه چهارم بر جواز استنابه برای متوضی: اطلاق خطابات وضو است که آیه ﴿فاغسلوا وجوهکم﴾ مطلق است و شامل می‌شود جایی که تمکن از وضو هست یا نیست. دلیل آن این است که آن ادله‌ای که مباشرت را شرط می‌داند مقید به مکنت و قدرت است چون اوامر اگر تکلیفی را بر دوش مکلف می‌گذارد مقید به قدرت است لذا هیچ خلافی در بین فقها نیست که اگر قادر به مباشرت نبود دیگری او را وضو بدهد.[[1]](#footnote-1)

اشکال از آقای خویی[[2]](#footnote-2): آن‌قدرتی که در متعلق اوامر دخیل است در اوامر مولوی است و مسئله اعتبار مباشرت یک امر ارشادی است لذا قدرت در امر ارشادی دخیل نیست چون شرطیت شیء مطلق است و هر دو حالت تمکن و عدم آن را شامل می‌شود و نهایت امر اگر عاجز از وضو بود بدل آن که تیمم است انجام می‌دهد.

اشکال استاد به آقای خویی ره: اوامر ارشادی تابع مُرشدٌ الیه است که اگر مرشدٌ الیه مستحب باشد امر ارشادی مستحب و اگر مرشدٌ الیه مطلق باشد امر ارشادی، ارشاد به مطلق است و در اینجا امر به وضو استحباب نفسی است و شرطیت، یک مفهوم انتزاعی است و قدرت در امتثال وضو شرط است لذا به اعتبار نفس وضو باید دید که چه قدرتی شرط است که آیا قدرت استنابه­ای را هم شامل می‌شود یا نه؟ و وقتی می‌توانم کمک بگیرم ادعای صاحب جواهر این است که خطابات وضو مطلق است.

إن قلت: اگر خطابات وضو مقام بحث را شامل بشود حمل بر مجاز می‌شود چون حقیقت وضو مباشرت است، فاغسلوا یعنی باید خود شخص انجام بدهد لذا آنجایی که غسلات از دیگری است تطبیق اغسلوا مجاز می‌شود.

قلت: اگر خطابات وضو مقید به صورت مباشرت بود و شامل وضوی تسبیبی نمی‌شد حق با شما بود اما قرینه‌ای نداریم که فاغسلوا مقید به حال قدرت است بلکه اعم از قدرت و عجز متوضی از وضو است.

امر دوم: اگر استنابه متوقف بر اجرت و بذل مال باشد همه فقها بذل مال را واجب می‌دانند.

اما دلیل وجوب بذل: خطابات وضو مطلق است و هم شامل وضوی مباشری و هم تسبیبی می‌شود لذا وضو بر او واجب و برای واجب باید هزینه کند اما اگر معین اجرت زیادی بخواهد بر متوضی واجب نیست قبول کند چون ضرر مالی است و به قاعده نفی ضرر استنابه واجب نیست.

امر سوم: شخص نیت کننده در باب استعانت است (که ثمره آن در بچه ظاهر می‌شود که بچه نابالغ بخواهد پدر یا مادر را وضو بدهد) حق است اینکه خود متوضی عاجز، نیت بکند نه نایب چون مأمورٌ به این وضو متوضی است و این موضوع برای متوضی تقرب می‌آورد اما آن مباشر به منزله ابراز است.

نظر آقای خویی: به حسب ادله چهارگانه جواز استنابه قائل به تفصیل شدند که اگر دلیل ما قاعده میسور و اطلاقات خطابات وضو باشد اینجا باید خود متوضی نیت بکند اما اگر دلیل اجماع و اخبار باشد باید هر دو نیت بکنند چون مراد مجمعین و نیت امام را نمی‌دانیم که کدام یک نیت کردند.

اشکال استاد: وضوی تسبیبی، شخص متوضی را به خدا نزدیک می‌کند نه مُعِین را و عبادت مال متوضی است نه معین و نیت متوضی نیت خودش است نه معین.

نکته: صاحب مدارک می‌گوید که معین باید نیت کند چون خودش مباشر وضو است و نیت مال مباشر وضو است.

اشکال استاد به صاحب مدارک: خطابات وضو مطلق است و هم شامل قدرت بر وضو و هم غیر آن می‌شود لذا معین به منزله ابزار است و به او متوضی نمی‌گویند.

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين

1. جواهر ج ۲ ص ۳۱۳ [↑](#footnote-ref-1)
2. التنقیح ج ۴ ص ۴۳۶ [↑](#footnote-ref-2)